

Research Article

***A jurisprudential and legal study of the psychological aspects of the
crime of infanticide.***

Shakiba Ebrahimi¹, Saeed Mardani^{2*}, Soroush Malekizadeh³

Received: 2024/02/14

Accepted: 2024/03/16

Abstract

The purpose of this research is to examine the jurisprudential and legal aspects of the psychological crime of infanticide. In general, the factor of parenting is very effective in the mental health of individuals in society, especially families, but researchers have paid less attention to this factor in examining mental health, which is one of the innovations of the present research. In the Iranian penal system, in accordance with the criminal policy of Islam, fathers and paternal grandfathers are exempt from retribution for the intentional killing of their children. The increase in the number of infanticides in the judicial system of Iran and other Islamic countries that implement this view has shown that mere punishment has not been able to deter this criminal act. A little reflection on the jurisprudential roots of this exemption shows that the aforementioned exception is not absolute and in special cases, such as intent to kill or premeditated murder, the father can be considered worthy of retribution or in cases of limited or divinely justified infanticide, such as the murder of a child during a war, etc., he can be considered worthy of the death penalty. The statistical population in this research is the library and document system. To collect information for this research, library and documentary methods are mostly used, using source finding and indexing techniques from specialized books. Of course, interviews with experts in this field and the use of dictionaries, legal and jurisprudential sources of crime and criminology, and related Internet sites are also methods of collecting information. In this study, taking into account the existence of hadiths, authentic narrations, and jurisprudential and legal laws, while accepting the absence of retaliation for the father in the intentional murder of his child, they oppose its application and believe that there are exceptions to it. In this regard, an attempt has been made to explain the exceptions to the absence of father murder in an appropriate and useful manner, and some examples of them will also be mentioned.

Keywords: *Infanticide, psychological aspects, jurisprudential and legal analysis*

بررسی فقهی و حقوقی جنبه های روانشناختی جرم بچه کشی

شکیبا ابراهیمی^۱، سعید مردانی^۲، سروش مالکی زاده^۳

چکیده

هدف از این پژوهش، بررسی فقهی و حقوقی جنبه های روانشناختی جرم بچه کشی است. به طور کلی عامل بچه‌پروری در سلامت روان افراد جامعه به خصوص خانواده ها بسیار موثر است ولی محققین در بررسی سلامت روان توجه کمتری به این عامل داشته اند که این یکی از نوآوری های پژوهش حاضر می باشد. در نظام جزایی ایران به تبع سیاست جنایی اسلام، پدر و جد پدری در قتل عمدی بچه از معافیت در قصاص برخوردارند. افزایش آمار بچه کشی در سیستم قضایی ایران و سایر کشورهای اسلامی که مجری این دیدگاهند، نشان داده که تعزیر صرف نتوانسته است در برخورد با این عمل مجرمانه، بازدارنده باشد. اندکی تأمل در ریشه فقهی این معافیت، نشان می دهد که استثنای مذکور مطلق نبوده و در موارد خاص مانند قصد منجز قتل و یا قتل با سبق تصمیم می توان پدر را قصاص و یا در موارد بچه کشی های حدودی یا حق الهی، مانند قتل بچه در حال محاربه و... وی را مستحق کیفر اعدام دانست. جامعه آماری در این پژوهش استفاده از سیستم کتابخانه‌ای و اسنادی است. برای گردآوری اطلاعات این تحقیق بیشتر از روش کتابخانه ای و اسنادی و با استفاده از تکنیک های منبع یابی و فیش برداری از کتابهای تخصصی استفاده می شود. البته مصاحبه با متخصصین این رشته و استفاده از معاجم و منابع فقهی و حقوقی جزا و جرم شناسی، سایت های اینترنتی مربوط نیز از روش های جمع آوری اطلاعات می باشد. در این مطالعه با عنایت به وجود احادیث، روایات معتبر و قوانین فقهی و حقوقی، ضمن پذیرش عدم قصاص پدر در قتل عمدی بچه با اطلاق آن مخالفت نموده و قائل به وجود استثنائاتی در آن هستیم. در این راستا سعی شده به نحو مقتضی و مفید، ضمن تشریح استثنائات بر عدم قتل پدر به مصادیقی از آنها نیز اشاره خواهد شد.

واژگان کلیدی: بچه کشی، جنبه های روانشناختی، بررسی فقهی و حقوقی.

۱- دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، پردیس علوم و تحقیقات خوزستان، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. / دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

۲- استادیار، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد ایذه، دانشگاه آزاد اسلامی، ایذه، ایران (نویسنده مسئول).

۳- استادیار، گروه حقوق، واحد ایذه، دانشگاه آزاد اسلامی، ایذه، ایران.

کشتن یک انسان بی گناه از گناهان بزرگی است که در همه جوامع و ادیان بشری سرزنش شده است. در قرآن کریم آیات متعددی بر حرمت بچه کشی وجود دارد که کشتن نا بحق بچه از سوی پدر و مادر گناهی بزرگ و دارای کیفر و مجازات بسیار سنگین بوده و در نزد خداوند به منزله کشتن همه مردم است. با تمام قباحتی که در عرف و شرع به این گناه نسبت می دهند، امروزه یکی از معضلات بزرگی است که جامعه ما گرفتار آن می باشد. از منفورترین این قتل ها می توان به قتل های خانوادگی اشاره نمود که غالباً در آن افراد با روابط خویشاوندی نسبی یا سببی نزدیک، اقدام به قتل یکدیگر می نمایند. همچنین از منحوس ترین این قتل ها بچه کشی است که توسط پدر یا مادر یا مشارکت هر دو به وقوع می پیوندد (پورحسینی، 1389: 31). آن چیزی که موضوع جرم قتل قرار می گیرد انسان زنده می باشد و سن مقتول (نوزاد، کودک و جوان، سالمند) موضوعیتی در نوع قتل ندارد و تفاوتی در آن ایجاد نمی کند، اما از لحاظ علم پزشکی میان نوزاد¹ و بچه کشی² تفاوت وجود دارد. نوزاد کشی معمولاً به کشتن کودک طی 24 ساعت اول زندگی اطلاق می شود و به کشتن عمدی بچه توسط پدر و مادر پس از این مدت معمولاً تا 12 ماه، بچه کشی اطلاق می شود. بچه کشی در والدین، بیشتر توسط پدران و نوزاد کشی بیشتر توسط مادران ارتکاب می یابد، قتل بچه از جهت عناصر جرم ماهیتاً با قتل بزرگسالان تفاوتی ندارند، لیکن از جهت علت شناختی متفاوت می باشد. از نظر روانشناسان و روانپزشکان بچه کشی معلول عوامل مختلف می باشد، بیشتر کودکانی که در خانه به قتل می رسند کمتر از یکسال دارند. بیش از نیمی از موارد بچه کشی نه با انگیزه قتل بلکه به عنوان تنبیه بچه و تحمل نکردن و گریه کردن مداوم او بوده که به صورت اهمیت ندادن، عدم تغذیه کودک، کتک زدن یا تکان دادن شدید او صورت گرفته است. البته در مواردی هم که « قصد قتل » وجود دارد، بسیاری از اوقات انگیزه قتل خود کودک نیست، در واقع کودک قربانی خشم پدر نسبت به مادر می شود. بیشترین انگیزه قتل توسط پدران، خشم نسبت به موجودی است که تمام توجه مادر را به خود معطوف کرده است. در برخی موارد قتل از روی ترحم صورت می گیرد که بیشتر در مورد کودکانی است که بیماری های شدید یا ناتوانی جسمی دارند. کسانی که مرتکب قتل از روی ترحم می شوند کمتر از سایر موارد قتل، بیماری روانی دارند و بیشتر به دیدگاه آنها و جنبه فرهنگی برمی گردد. همچنین پسران بیشتر از دختران قربانی بچه کشی می شوند، البته پسران توسط پدران و دختران توسط مادران به قتل می رسند (باجلی، 94). بچه‌هایی که کشته می شوند قبل از آن مورد آزار جسمی توسط قاتل قرار گرفته اند. فقر، بیکاری - تحصیلات پایین و سوء مصرف مواد به ویژه محرک هایی مانند شیشه و بیماری های روانی از عوامل خطر بچه کشی است. شایع ترین

اختلالات روانی در این افراد اسکیزوفرنی است، که حدود یک سوم آنها در زمان قتل با تعریف روانپزشکی، جنون آنی داشته و مسئول اعمال خود نبوده اند. منشاء این بیماری می تواند ژنتیکی یا ناشی از تاثیرات محیطی باشد که در این صورت بدبینی افراطی نسبت به همسر سبب می شود که فرد گمان می کند بچه‌ش متعلق به او نمی باشد و دست به قتل او بزند، در این صورت اگر مشکلات ژنتیکی باشد فرد باید در طول زندگی تحت مراقبت قرار گیرد.

همچنین اجتماع و قوانین، تاثیر بسیار زیادی بر رفتار و ارزش های افراد خواهد داشت. لذا قوانین تبعیض آمیز یا قوانینی که نمی تواند از گسترش خشونت جلوگیری کند می تواند تاثیر به سزایی در روان فرد داشته باشد. این مقاله در صدد است تا پس از تعریف و بیان تاریخچه این جرم (مبحث اول) موضوع مهم فرند کشی را از منظر دانش روانشناسی جنایی و آموزه های قرآنی مورد بحث و بررسی قرار دهد.

تعریف بچه کشی

بچه کشی عبارتست از سلب آزادی و ظالمانه حیات بچه به وسیله پدر و مادر بالغ و عاقل (اسحاقی، 1380: 151) این تعریف شامل دو نکته می باشد: 1. اخراج جان از بدن که لازمه ی آن وجود بچه زنده است. 2. اخراج جان، بدون دستور قانونی یا شرعی.

تاریخچه بچه کشی

بچه کشی از مقوله هایی است که در بسیاری از اساطیر و حماسه ها در انواع و شکل های متفاوتی رخ نموده، پیدایش خادایان با خویشاوندکشی همراه بوده است و خدایان که کم و بیش سرگذشتی انسان گونه داشته اند، به کشمکش و قتل نزدیکان یا حتی بچه خوری پرداخته اند.

بچه کشی از سوی خدایان عمدی یا سهوی بوده، با ریخت و شکل های متفاوتی رخ نموده است، مانند: کشتن، خوردن، بلعیدن، رها و طرد کردن. همچنین شامل علل و انگیزه های متفاوتی نظیر قدرت طلبی، عیب و نقص بچه، رشک و حسادت، بیماری، شقاوت یا بی رحمی است که ممکن است از سوی پدر یا مادر یا هردو، یا نامادری صورت بگیرد. البته در بیشتر بچه کشی ها مادر نقش کم رنگ تری دارد زیرا بعد از کشتن بچه، داغی است که جگر او را بیشتر از پدر که مالک اوست می سوزاند. ولی اینکه چرا پدر و مادر چنین بلایی را بر بچه خود روا می دارند، مهمترین دلیل آن تقلید از اسطوره نبرد خدایان که از اسطوره های بچه کشی و نوعی الگوپذیری از اساطیر می باشد. «در عصر رمانتیک که تمام روایات، پهلوانی را تکامل پسین اسطوره میدانستند، معتقد بودند که خاستگاه همه ی افسانه ها نبرد پدر و پسر، اسطوره نبرد خدایان بوده است. ولی پس از آن که در سده ی نوزدهم کم کم از نظریات دوره رمانتیک راجع به گزاره اسطوره و روایات برگشتند در توجیه موضوع نبرد پدر و پسر نیز نظریات دیگری به وجود آمد (خالقی مطلق، 1372: 25)

نگرش فقه به پدیده بچه کشی

در قرآن کریم در مورد کشتن بچهان، دو دسته آیات وجود دارد: نخست، آیاتی (الانعام، 140/136، 151/6؛ الاسراء، 17/31؛ الممتحنه، 60/12) که قتل بچهان را به صورت مطلق بیان می کند. دوم، آیاتی (النحل، 16/59، التکویر، 81/8) که صریحاً به زنده به گور کردن دختران اشاره دارد. در ادامه این دو دسته مورد بررسی قرار گرفته است.

گونه شناسی فرزندان کشی در فقه

1- قتل فرزندان

مفسران در مورد آیاتی که قتل بچه ها را به طور مطلق بیان می دارد، دو دسته شده اند، بعضی بر این عقیده اند که قتل بچه، هر دو جنس پسر و دختر را شامل می شود، اما در مقابل، گروهی آن را فقط زنده به گور کردن دختران، تفسیر کرده اند. چنان که در تفسیر آیه مبارکه (وَكَذَلِكَ زَيْنَ لَكَيْثٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَتَلَ أَوْلَادِهِمْ شُرَكَائِهِمْ لِيَرُدُّوهُمْ وَ لِيَلْبَسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرَّهُمْ وَ مَا يَفْتَرُونَ) (الانعام، 6/137) همین گونه شرکای آنها [بت ها] قتل بچهان را در نظرشان جلوه دادند (کودکان خود را قربانی بت ها می کردند و افتخار می نمودند!) سرانجام آنها را به هلاکت افکندند و آیینشان را بر آنان مشتبه ساختند و اگر خدا می خواست، چنین نمی کردند.

(زیرا می توانست جلو آنان را بگیرد ولی اجبار سودی ندارد). بنابراین آنها و تهمت هایشان را به حال خود واگذار (و به آنها اعتنا مکن!)

در تفسیر نمونه نیز ذکر شده که عرب های جاهلی، نه تنها دختران خویش را به خاطر تعصب های غلط زنده به گور می کردند، بلکه پسران را که سرمایه های بزرگی در جامعه آن روز، محسوب می شدند نیز از ترس فقر و تنگدستی به قتل می رساندند. (مکارم شیرازی و دیگران، 34:1380)

2- زنده به گور کردن دختران

دسته دیگری از آیات در مورد کشتن بچهان، آنهایی است که صریحاً به زنده به گور کردن دختران اشاره دارد. از جمله اینکه می فرماید: «در حالی که هرگاه به یکی از آنها بشارت دهند دختر نصیب تو شده، صورتش (از فرط ناراحتی) سیاه می شود و به شدت خشمگین می گردد به خاطر بشارت بدی که به او داده شده، از قوم و قبیله خود پنهان می گردد (و نمیداند) آیا او را با قبول ننگ نگهدارد، یا در خاک پنهانش کند؟! چه بد حکم می کنند!» (النحل، 16/58 و 59)

این یک امر ساده نیست که انسان، هرچند نیمه وحشی، دست به چنین جنایت وحشتناکی بزند، چنین رفتارهایی قطعاً می تواند دارای ریشه های اجتماعی، روانی و یا اقتصادی باشد.

علل بچه کشی از منظر فقه

1- فرهنگ جاهلی و نگرش منفی به دختران

در مورد علت زنده به گور کردن دختران، نظرات مختلفی بیان شده است. بعضی علت زنده به گور کردن دختران را غیرت عرب جاهلی و هراس آنان از ننگی که در صورت بزرگ شدن و به اسارت رفتن دختران، متوجه آنان می شد، دانسته اند. (النویری، 1424:127) برخی دیگر آن را ناشی از وجود یک سری از صفات در کودک می دانستند، که خانواده اش، چنین صفاتی را شوم و نامبارک می دانست. مانند اینکه اگر دختری نابینا، دارای معلولیت ذهنی، یا دارای بیماری های برص، فلج و... بود، او را زنده به گور می کرد (شاکری الالوسی: 34)، (هاشمی: 228).

2- احساس فقر و واماندگی

در قرآن کریم آمده که برخی از بیم فقر و تهیدستی، دختران خود را زنده به گور می کردند (الاسراء، 17/31؛ الانعام، 6/151). شاید به این خاطر بوده که دختر در آن جامعه تولیدکننده نبود و غالباً مصرف کننده محسوب می شد، البته هر چند پسران نیز در آغاز عمر، مصرف کننده بودند، ولی عرب جاهلی، همیشه به پسر، به عنوان یک سرمایه مهم می نگریست و حاضر به از دست دادن آنها نبود، لذا مورخین می نویسند به این دلیل عرب جاهلی پسران را بر دختران ترجیح می دادند، که پسران در آینده، جنگجو و مدافع قبیله خواهند بود، ولی دختران بار سنگینی بر دوش مردان بودند که وظیفه محافظت از آنها را بر عهده داشتند (فروخ، تاریخ الجاهلیه، 157:1984؛ 228) (الحوفی: 161)

3- باورهای دینی نادرست

از جمله علل دیگری که می توان برای کشتن دختران ذکر کرد، عبارتند از: اظهار شکر و سپاس در برابر نعمت های خدا (جواد علی: 302)

كَذَلِكَ زَيْنَ لَكَيْثٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَتَلَ أَوْلَادَهُمْ شُرَكَاءَهُمْ لِيُرُدُّوهُمْ وَ لِيَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرَهُمْ وَ مَا يَفْتَرُونَ (الانعام، 6/137) همین گونه شرکای آنها [بت ها] قتل بچهانشان را در نظرشان جلوه دادند (کودکان خود را قربانی بت ها می کردند و افتخار می نمودند!)

اگر بخواهیم علل بچه کشی از این دیدگاه را اولویت بندی نماییم، شاید بتوان گفت که عامل اقتصادی از همه عوامل، مهمتر و نیرومندتر بوده است که مربوط به هر دو جنس پسر و دختر می شود و در مرحله بعد، می توان به تأثیر هراس اعراب، از ننگ و عار، در صورت به اسارت رفتن آنها در ایام جنگ، اشاره کرد، چرا که زندگی عرب در زمان جاهلیت، با کشمکش و جنگ عجین شده بود و اسارت نیز یکی از پیامدهای این جنگ ها بود.

666

بنابراین در جواب اینکه آیا عرب جاهلی، فقط دختران را زنده به گور می کردند یا اینکه پسران را نیز از ترس فقر، به قتل می رساندند، می توان گفت که ظاهر آیات، نظر دوم را تأیید می کند، چرا که در آیاتی که به قتل اولاد، اشاره دارد، ضمیر جمع مذکر، به کار رفته که شامل هر دو جنس پسر و دختر می شود و از طرف دیگر، همین که در مورد کشتن بچهان، دو تعبیر به کار رفته، می تواند نشان دهنده دو نوع قتل و کشتن باشد.

علل و عوامل روانشناختی فردی بچه کشی

روانشناسی علم مطالعه رفتار و فرایندهای ذهنی است (Hockenbury, & Hockenbury 2007: p3) همچنین رفتار، به هر نوع پاسخ ارگانیزم که در مقابل محرک های درونی و بیرونی گفته می شود؛ که به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم و با ابزار قابل رویت است (اتکینسون و همکاران - ترجمه رفیعی، 1384: 287). فرایند ذهنی به اندیشه ها، هیجان ها، احساس ها، و انگیزه هایی که افراد تجربه می کنند، فرایندهای ذهنی گفته می شود؛ که برای افراد دیگر به طور مستقیم قابل مشاهده نیست (همان منبع).

روانشناسان کوشش می کنند که انسان ها را به وسیله روش های علمی مورد مطالعه قرار دهند. هدف آن ها از ایان کار شامل توصیف، تبیین و پیش بینی رفتار های آدمی می شود. بنابراین اصطلاح توصیف، شامل تعریف کردن وضع موجود و رفتارهای در حال حاضر افراد می شود؛ که بوسیله روش های علمی جمع آوری شده اند. از طرفی اصطلاح تبیین، توضیح رفتار انسان بر اساس شرایط پیشاینده یک واقعه یا رویداد (ایروانی: 52). همچنین پیش بینی، توانایی پیش بینی کردن بعضی رفتارها در آینده با توجه به شرایط موجود شاخه ای از دانش روانشناسی است که به مطالعه ی شخصیت تبهکار و شناخت دلایل و انگیزه های تبهکاری است که این دلایل و انگیزه ها به شیوه های جامعه پذیری، اجتماعی شدن، تجربه های دوران کودکی و محیط زندگی و همچنین نقش ژنتیک و اختلالات روان شناختی در ایجاد شخصیت فرد تبهکار در هنگام اعمال جرم اشاره می کند. به بیان دیگر روانشناسی جنایی را می توان « مطالعه ی علمای رفتار جنایی و فرایند های ذهنی ای که در ارتکاب جرم نقش دارند» تعریف کرد (بارتول 1995 به نقل از ستوده و همکاران، 1384: 21)

به رفتار هایی که مخالف با قوانین جامعه است رفتار جنایی گفته می شود. رفتار جنایی خود نوعی رفتار اجتماعی است. به هر گونه رفتاری که در بافت اجتماعی رخ می دهد و از دیدگاه روانشناسی اجتماعی مورد مطالعه قرار می گیرد رفتار اجتماعی گفته می شود. رفتار های اجتماعی بر اساس لیست بی پایانی از متغیرها شکل می گیرد. تعداد زیادی فاکتورهای مخصوص وجود دارد که تعاملات اجتماعی را به وجود می آورند. این فاکتورها به طور کلی در پنج دسته ی اصلی جای می گیرند: 1- رفتار و منش افراد دیگر. 2- شناخت های اجتماعی (افکار، نگرش ها و حافظه ی ما در مورد افرادی که در اطراف ما هستند). 3- متغیرهای بوم شناختی (به طور مستقیم و غیر مستقیم شامل محیط فیزیکی می شود). 4- زمینه های فرهنگی-اجتماعی که هنگام رفتار اجتماعی رخ می دهد. 5- جنبه های ماهیت زیست شناختی ما که مربوط به رفتار اجتماعی می شوند (Robert A. & Byrne 1987 : p11).

در هر حال دیدگاه روان شناختی به رفتار افراد، اینکه رفتار چگونه رخ می دهد، چطور اجرا می شود، چگونه تداوم می یابد و چگونه اصلاح می گردد تکیه می کند. در دیدگاه روانشناختی هم محیط و هم شخصیت فرد که در رفتار مجرمانی و جنایی موثر است، در نظر گرفته می شود و رفتار جنایی همرا با فرایندهای روانی مورد بررسی قرار می گیرد. روانشناسان بیشتر به متغیرهای شخصیت افراد تکیه دارن و ان را بهترین عاملی در قضاوت بالینی بشمارد می آورند (اردکان، 1396). در کنار این دیدگاه باید از دیدگاه روانپزشکی نیز یاد کرد. در این دیدگاه رفتار مجرمانه در اثر افکار ناهوشیار و نیازهای زیستی در انسان بوجود می آید و محیط فرهنگ و جامعه نقشی در ارتکاب جرم ندارد. روانشناسان زیستی مقصر اصلی را در رفتار های مجرمانه نیازها و فشارهای درونی افراد می دانند، آنان معتقدند رفتار مجرمانه بطور ناخودآگاه و در اثر ساینقه های زیستی انجام می شود و خارج از کنترل انسان است. آنچه موجب می شود انسان شبکه گسترده روابط اجتماعی را بپذیرد، نیازهای وی برای زیستن به بهروزی و کوشش گروهی و جمعی برای به خدمت گرفتن پدیده های طبیعی در راستای منابع خود است، از این رو بررسی انگیزه ها و محرک های که انسان را به سوی تلاش برای تامین نیازمندی ها می داند امری ضروری است که مستلزم رسیدگی و یافتن دیدگاهی منطقی برای پرداختن به آن است (اردکان، 1396).

عوامل موثر در بچه کشی

در این مقاله در خصوص بررسی علل بچه کشی، ذکر برخی عوامل تاثیرگذار اهمیت می یابد که در ادامه به آن پرداخته شده است.

1- عوامل اجتماعی

اطلاعات و ملاک ها و نتایج مطالعات نشان دهنده آن است که میزان تاثیر عوامل اجتماعی در ایجاد بزهکاری نه تنها کم نیست بلکه تاثیر شایان توجهی دارد. فرد در جامعه مستهلک است و شناخت وی تنها با شناخت جامعه ای ممکن است که مانند طبیعت در حال تغییر و تکامل دائم است. بنابر این انسان که جزئی از طبیعت است تغییر و تبدیل پذیر است. شناسایی فرد می باید بر اساس شناخت شرایط زندگی او باشد. تغییر شرایط زندگانی موجب تغییر شخص در تمامی ابعاد می شود و او را دگرگون می سازد. انسان به دور از جامعه نمی تواند به انسانیت خود تحقق بخشد و مستقل از نظامات و نهادهای اجتماعی به حیات خود ادامه دهد. بلکه به هنگام تولد خویش از نظر اقتصادی اجتماعی و روانی و فرهنگی وابسته به همنوع خود بوده و با وجود برخی از افسانه ها هرگز به تنهایی به نهایت انسانیت نرسیده و همیشه با پاره ای گروه های اجتماعی پیوند داشته است (دادراه، 1393).

2- عوامل اقتصادی

فقر بی گمان بوجود آورنده سختی ها و ناملایماتی است که اگر نتوان با آنها مبارزه کرد خواه ناخواه انسان را به زانو در می آورد. بیشتر محرومیت ها و بر آورده نشدن تمایلات که موجب عدم اطمینان اجتماعی می شود ناشی از فقر است و نمی توان آن را نادیده گرفت، بیکاری، کمبود مواد غذایی، پوشاک، بی سوادی، عقب افتادگی، جهل و خرافات، عدم بهداشت کافی وانواع بیماری های روحی و جسمی و حتی در سطح جهانی جنگ ها و خون ریزی ها ریشه در نیازهای مادی و ترس از فقر دارد و انواع بی رحمی ها و خونریزی ها را در طبقات مرفح و مسلط جامعه سبب می شود. بیکاری، ولگردی و گدایی ناشی از فقر خانواده هاست. از عوامل موثر در انحراف و گرایش به بزهکاری، دزدی و مانند آن می باشد و افراد را به سوی اعمالی می رانند که هیچ توانایی انجام آن را نداشته اند، عدم امکان برای فراهم آوردن وسایل

تفریحات سالم و پر کردن اوقات فراغت بچه‌ها و ناتوانی خانواده‌ها برای حفاظت بچه‌ها از مفاصل موجود در محیط‌های ناسالم و معاشرت با افراد ناباب همگی ناشی از فقر و تهیدستی خانواده‌هاست (دادرا، 1393).

علل روانشناختی بچه‌کشی

668

از نظر روانشناسان و روانپزشکان بچه‌کشی، معلول عوامل مختلفی می‌باشد که یکی از علل آن تنفر می‌باشد. تنفر یکی از هیجانات و احساساتی است که همه‌ی انسان‌ها کمابیش آن را تجربه کرده‌اند و نفرت هیجانی است در مقابل عشق و اگر نگاه‌وییم علال روان‌شناسی بچه‌کشی تنها عامل نفرت است باید بگوییم بیشترین نقش را ایفا می‌کند. خاستگاه نفرت در خانواده زمانی تجلی پیدا می‌کند که پدر و مادر بچه را مانع رسیدن به اهداف و عامل شکست خود می‌دانند، مثلاً با بروز تنفر از شرایط بد اقتصادی تحت تاثیر شرایط بحرانی روحی و روانی قرار گرفته و با تحریکات ناشی از توهمات شیطانی گاه در اثر اختلال در شخصیت ایجاد می‌شود. همچنین با فشارهای طاقت فرسا و ناامیدی از حداقل ضروریات زندگی شرمند و مایوس شده در نتیجه ترس از آینده راهی جز قتل بچه نمی‌یابد، گاهی اعتقادات جامعه، فرهنگ و قانون‌گریزی از موارد تاثیرگذار بچه‌کشی می‌باشد.

زمانی که بچه جایگاه خانواده را متزلزل کرده و باعث هتک حرمت و حیثیت خانواده می‌شود در نتیجه ولدین از بین هزار راه نرفته، قتل بچه را برمی‌گزینند و یا هنگامی که برای فرار از عدالت قضایی خود مرتکب جرمی شده‌اند که بچه شاهد و ناظر ارتکاب آن بوده است، برای سرپوش گذاشتن جرم خود، قتل بچه را رقم می‌زنند. مولفه‌های دیگر روان‌شناسان، بیماری روانی است که گاهی به صورت جنون آبی بروز می‌کند و جنون یا روان‌پریشی به معنای وضعیت روانی غیرطبیعی است و اصطلاحی است که در روان‌پزشکی برای حالتی روانی به کار می‌رود که اغلب به صورت از دست دادن تماس با واقعیت توصیف می‌شود. فشارهای زندگی یکی از مهم‌ترین مسائلی است که در بروز این رفتارها دخیل است. فردی که سختی‌های اجتماعی و اقتصادی زیادی را تحمل کرده یا در زندگی همیشه به وسیله اعضای خانواده تحقیر شده و مورد آزار قرار گرفته است، بالاخره در موقعیتی واکنشی از خود نشان می‌دهد که می‌تواند بسیار شدید باشد. از طرفی گاهی فرد به بیماری روانی مبتلاست در حالی که خود و اطرافیانش از آن بی‌خبر هستند یا اینکه به دلیل تفکر غلط، از بیان مشکل خود و مراجعه به روان‌شناس خودداری می‌کند و زمانی که بیماری شدت یافت یا فشارها افزایش پیدا کرد، دیگر برایش تحمل آنها غیرممکن و هر کاری امکان‌پذیر می‌شود. عوامل ارثی - ژنتیکی، فشارهای خیلی شدید روانی، جسمی و محیطی که به دلیل آمادگی از قبل در عوامل ژنتیکی، باعث ظهور بیماری می‌شوند. الکل و داروهای خاص می‌توانند سبب جنون شوند، بیماری‌های دوقطبی (مانیا افسردگی)، تومورهای مغزی، صرع، افسردگی سایکوتیک، اسکیزوفرنی، زوال عقل (مانند آلزایمر)، سکته مغزی که منشاء این بیماری‌ها می‌تواند ژنتیکی یا ناشی از تاثیرات محیطی باشد.

اگر این تاثیرات، محیطی باشند می‌توانند عقاید غیرمنطقی مغز را دچار کارکرد ناسالم کند و بدبینی‌های افراطی درمورد همسر سبب شود که گمان کند ممکن است بچه‌هاش برای او نباشد و دست به قتل آنان بزند و یا با مصارف داروهای روان‌گردان و مواد محرک باعث رفتارهای مشابه از این نوع شود ولی اگر مشکلات ژنتیکی باشد فرد باید در طول زندگی خود تحت مراقبت باشد، اما باید متذکر شد که اجتماع و قوانین موجود در جامعه تاثیر بسیار زیادی بر رفتارها ارزش‌ها و نتیجه‌گیری‌های منطقی و غیرمنطقی افراد خواهد داشت، لذا قوانین تبعیض‌آمیز و یا قوانینی که

نمی تواند از گسترش خشونت جلوگیری کند می تواند تاثیر زیادی در آسیب رساندن به روان فرد داشته باشد. همچنین عدم رضایت از زندگی زناشویی که معمولا تابع تزلزل و ناپختگی عاطفی پدر یا مادر یا هر دوی آنها است که موجب رفتار طرد کننده پدران و مادران نسبت به بچهان می شود.

1- کاهش تحمل خانواده در قبال رفتارهای ناصواب کودکان

خانواده اولین و مهم ترین بافت اجتماعی را برای رشد انسان فراهم می سازد. در جریان رشد طبیعی هر کودک یک رشته تغییرات شناختی، عاطفی و اجتماعی را شاهد هستیم. این تغییرات می تواند به مشکلات رفتاری-عاطفی و یادگیری در کودکان منتهی شود. بیشتر مشکلات رفتاری کودکان منعکس کننده شرایط پیچیده بین فرد و اعضای خانواده به ویژه والدین است. به عبارت دیگر می توان گفت دلیل اکثر مشکلات رفتاری کودک روابط معیوب اعضای خانواده با یکدیگر است و با روش های تربیتی نادرست والدین و تعاملات معیوب آن ها با بچهان ارتباط دارد. در نتیجه کودکان رفتارهای از خود نشان می دهند که تاثیر منفی بر اطرافیان می گذارد و واکنش اشتباه این افراد در پاسخ به رفتار آنها نیز متقابلا به کودک برمی گردد، لذا چنانکه اشاره شد یکی از عوامل تاثیر گذار در قتل بچه، زمانی است که بچه جایگاه خانواده را متزلزل کرده و باعث هتک حرمت و حیثیت خانواده می شود و در این رابطه یک نمونه از جزییات حادثه بچه کشی مورد بررسی قرار گرفته است.

خبرگزاری مهر (نستوه، 1396) پدر عصبانی که در اقدامی هولناک اقدام به قتل پسر 25 ساله اش کرده و جسد او را به شاور آباد منتقل کرده بود در اداره آگاهی جزییات قتل بچهش را فاش کرد.

ساعت 21:45 روز 25 شهریور سال 96، فردی طی تماس با مرکز فوریت های پلیسی 110 اعلام کرد که مرتکب جنایت شده و بچهش را به قتل رسانده است. با اعلام خبر به کلانتری 170 کهریزک بلافاصله مأمورین به آدرس اعلامی در منطقه قاسم آباد مراجعه و اقدام به دستگیری «مهدی. ن» (49 ساله) کردند. «مهدی. ن» در اظهارات اولیه به مأمورین گفت: ساعت 16:30 روز 26 شهریور 96 بچهم بنام مهدی (25 ساله) را با شلیک دو گلوله به قتل رساندم و جنازه اش را به داخل چاه انداختم و در این ساعت به خاطر عذاب وجدان اعتراف می کنم. با اعتراف صریح متهم به ارتکاب جنایت، بلافاصله موضوع به پلیس آگاهی و قاضی کشیک دادگاه کهریزک اعلام شد؛ با تشکیل پرونده مقدماتی با موضوع "قتل عمد" و به دستور رییس شعبه 101 دادگاه عمومی کهریزک، تحقیقات برای کشف جسد در دستور کار کارآگاهان اداره دهم ویژه قتل پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت. کارآگاهان اداره دهم ویژه قتل پلیس آگاهی با حضور در محل به تحقیق از متهم پرداختند؛ «مهدی. ن» در اظهاراتش به کارآگاهان گفت: مهدی از حدود 12-13 سالگی خیلی عصبی شده بود تا اینکه طی سه یا چهار سال اخیر دیگر زورمان به او نمی رسید. طی این مدت مهدی بارها من، مادر و خواهرش را مورد ضرب و شتم قرار داده بود؛ حتی چندین بار با همسایگان و اهالی محل درگیر شده بود؛ ما با تمام این مشکلات ساختیم تا اینکه با شدت پیدا کردن آزار و اذیت های مهدی، حدودا دو ماه پیش به نیت کشتن مهدی اقدام به خرید یک قبضه اسلحه کمری کردم؛ روز جنایت در یک ساختمان در حال ساخت و ساز که در آنجا کار می کردم، در حالیکه تمامی کارگران از ساختمان خارج شده بودند، مهدی را به سمت چاه ساختمان برده و دو گلوله به سمت او شلیک کرده؛ پس از کشتن مهدی، جنازه ی او را داخل چاه انداخته و در آن را پوشاندم.

2- آسودگی خیال والدین از مجازات های کیفری شدید

یکی از دردناک ترین و وحشیانه ترین قتل ها، بچه کشی است، این واقعاً وحشت آور است که انسان، آنقدر عاطفه خود را زیر پای بگذارد که به کشتن انسان آن هم در زشت ترین صورتش افتخار و مباحات نماید، انسانی که پاره تن خود اوست، انسانی که بی دفاع و ضعیف است، او را با دست خویش زنده زنده به خاک سپارد. تصور کنید، پدر یا مادر به خاطر اینکه می ترساند نتواند نیازهای مادی بچه را تامین کند و یا خودش به خاطر این امر دچار مشقت نشوند، بچه خود را به قتل می رساند. مصداق دیروزی، کشتن بچه از ترس فقر و زنده به گور کردن دختران و مصداق امروزی، بحران اقتصادی، عوامل روانی، نا هنجاری های رفتاری، تحمیل ارزش های غیر اجتماعی و غیر دینی است که در خانواده قتل بچه را رقم می زند، لذا قرآن می فرماید: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ...» (انعام / 151) از کشتن اولاد به جهت ترس از فقر و احتیاج، شدیداً نهی شده است و معنای آیه این است که بچه را خود را از ترس این که مبادا دچار فقر و هلاکت شوید و به خاطر ایشان تن به ذلت گدایی دهید به قتل نرسانید و یا به جهت های دیگری مایه آبروریزی شما شود مکشید، زیرا این شما نیستید که روزی اولادتان را می دهید، تا در هنگام فقر و تنگدستی دیگر نتوانید روزی ایشان را برسانید، بلکه ماییم که هم ایشان و هم شما را روزی می دهیم، آری کشتن بچه خطاب است بزرگ.

مساله نهی از بچه کشی در قرآن کریم مکرر آمده، و این عمل شنیع در حالی که یکی از مصادیق آدم کشی است و فقط این مصداق ذکر گردیده و چون بچه کشی از زشت ترین مصادیق شقاوت و سنگدلی است و جهت دیگرش هم این است که اعراب در سرزمینی زندگی می کردند که بسیار دچار قحطی می شد، از همین جهت همین که نشانه های قحطی را میدیدند اول کاری که می کردند به اصطلاح برای حفظ آبرو و عزت و احترام خود، بچه را می کشتند. زیرا عرب غیر از مساله دخترکشی (واد) یک سنت دیگری داشته که به خیال خود با آن عمل هون و خواری خود را حفظ می کردند، و آن این بوده است که از ترس خواری و فقر و فاقه بچه خود را (چه دختر و چه پسر) می کشته، و آیه مورد بحث و نظایر آن از این عمل نهی کرده است (طباطبایی، 1382: 115) انگیزه دیگر قتل بچه این بود که نذر می کردند که اگر تعداد بچه را به حد خاصی رسید و یا حاجت بزرگ او برآورده گردید یکی از بچه را در برابر بتان قربانی کنند و دو آیه زیر اشاره به چنین انگیزه ای است: قد خسروا الذین قتلوا اولادهم بغیر علم. برآستی همه کسانی که بچه را از بی خردی کشته اند زیانکار شدند. و کذلک زین لکثیر من المشرکین قتل اولادهم شرکائهم لیردوهم و لیلیسوا علیهم دینهم. شریکان عبادت (خدایان باطل)، کشتن بچه را برای آنان زیبا جلوه داد، تا آنان را هلاک سازند و دینشان را بر آنان وارونه نشان دهند (ربانی خلخالی، 1399 ه.ق: 50-45) خوب ملاحظه می کنید که وحشتناک ترین جنایات زیر پوشش دروغین دفاع از ناموس و حفظ شرافت و حیثیات خانواده انجام می گرفت و عاقبت این بدعت زشت و ننگین مورد استقبال گروهی واقع شده است. این احتمال نیاز وجود دارد که تولید کننده بودن پسران و مصرف کننده بودن دختران، در آن جوامع، نیز به این جنایت کمک کرده باشد، زیرا پسر برای آنها، سرمایه بزرگی محسوب می شد که در غارتگری ها و نگهداری شتران و مانند آن از وجودش استفاده می کردند، در حالی که دختران چنین نبودند. از سوی دیگر وجود جنگ ها و نزاع های دائمی قبیله ای میان آنها سبب فقدان سریع مردان و پسران جنگجو می شد و طبعاً تناسب تعادل میان تعداد دختران و پسران بهم می خورد و تا آنجا وجود پسران عزیز شده بود که تولد یک پسر، مایه مباحات بود و تولد یک دختر، مایه ناراحتی و رنج خانواده براساس آموزه های قرآن در مورد انسان و از جمله کودک، کرامت انسان است. در آیه (وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوَبْرِ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا) (اسراء/70) به این امر تأکید شده است؛ بنابراین، ضروری

است. جوامع صرفاً به قوانین الهی که جامع‌ترین آنها در دین مبین اسلام و قرآن آمده است، تمسک جویند. قرآن از ابتدای کودکی انسان، وظایف سنگینی بر عهده پدر و مادر و در ادامه بر عهده حکومت گذاشته است تا انسانی سالم، مفید و ثمربخش تحویل اجتماع گردد.

نتیجه‌گیری

بچه‌کشی یکی از بزرگترین گناهان در عرف و شرع محسوب می‌شود در واقع هم از نظر فردی که موجب سلب صیانت فرد است و هم از نظر اجتماعی زمینه‌ساز ایجاد ناامنی اجتماعی است. در قرآن آیات متعددی بر حرمت بچه‌کشی وجود دارد. از طرفی روانشناسی علم مطالعه رفتار و فرایند ذهنی است و روانشناسان انسان را به روش علمی مورد مطالعه قرار می‌دهند و هدف آن‌ها توصیف و تبیین و پیش‌بینی رفتارهای آدمی بر اساس یک واقعه یا رویداد می‌باشد، به رفتارهایی که مخالف با قوانین جامعه است، رفتار جنایی گفته می‌شود که خود نوعی رفتار اجتماعی است. روانشناسی جنایی علمی است که با نگرش به ابعاد شخصیت انسان، علل رفتار جنایی را برحسب نقص شخصیت مجرم می‌داند و آنان را بر این باورند که برخی از گونه‌های شخصیتی بیشتر از گونه‌های دیگر گرایش به تبه‌کاری و ارتکاب جرم دارند. به بیان دیگر شخصیت انسان در وضعیت‌های گوناگون تحت تاثیر پدیده‌های جرم از طرف دیگران قرار گرفته و یا این تمایلات انسان از محدوده خود خارج می‌شود در نتیجه شخص به ارتکاب جرم جنایت دست می‌زند. عوامل دیگر دلایل و انگیزه‌هایی هستند که به شیوه جامعه‌پذیری، اجتماعی شدن و تجربه‌های محیط زندگی و همچنین نقش ژنتیک در ایجاد شخصیت فرد در هنگام اعمال جرم بچه‌کشی در این مقاله مورد مطرح شده و در نتیجه دو رویکرد موثر از دو دیدگاه قرآن روانشناسان در مجازات قتل بچه‌مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

فهرست منابع

- النوبیری، ش. (1424) نهاییه الارب فی فنون الادب. قاهره: دار الکتب العلمیه .
-
- جعفری لنگرودی، م. (1364) ترمینولوژی حقوقی. انتشارات این سینا، جلد اول.
-
- ربانی خلخالی، ع. (1399 ه.ق.). زن از دیدگاه اسلام. نشر حجت.
-
- فروخ، ع. (1984) تاریخ الجاهلیه . بیروت: دارالعلم للملای.
-
- هاشمی، ع. (بدون تاریخ) پیشین.
-
- اردکان، س (1396 ، 369 ، از جرم ،
- <http://fastest.iwgk.ir/fastest/16699/html>
-
- اسحاقی، م. (1380) مجازات پدر و مادر در جرم کشتن بچه، قم، 1380 چاپ اول ص 151. قم: سفیر صبح.
-
- الحوفی. (بدون تاریخ). پیشین.
-
- آیت الله مشکینی. (1375) قرآن کریم، سوره متحنه، آیه 12. قم: الیهادی.
-
- باجغلی، ح. (94. 194). سلامت از نگاه یک روانپزشک. بازیابی از بررسی ریشه های بچه کشی:
- <http://drhafez.blogfa.com/post/318>
-
- بارتول 1995 به نقل از ستوده و همکاران. (1384)
-
- پورحسینی، م. (1389) بررسی ماده 220 ق.م.ا (مصوب 1370). دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد.
-
- جواد علی (بدون تاریخ). پیشین. (5، تدوین)
-
- خالقی مطلق، ج. (1372) یکی داستان است پر آب چشم، گل رنج های کهن. تهران: مرکز.
-

- خبر آنلاین. (1396, 17 4) خشونت در ته خط! / نگاهی به بچه کشی و والدکشی و دلایل آن. بازیابی در 20 8, 1396، از
- <http://www.khabaronline.ir/detail/684195/society/social-damage>
- دادراه. (1393, 2 8) درگاه ارتباطی مردم با وکلا و حقوقدانان. بازیابی در 10, 22, 1396، از جرم چیست و مجرم کیست؟:
- <http://dadrah.ir/danesh>
- داوری، ع. (بدون تاریخ). قصاص نفس. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه تهران، بی تا.
- سید صادق. ب. (1386) قوانین کیفری در اسلام.
- شرکت ابیا وب گستر. (1396, 12 2) مقالات. بازیابی در 10 14, 1396، از تحقیق در مورد روانشناسی جنایی: <http://mag/iran.com>
- شگری اللوسی، م. (بدون تاریخ). پیشین. (3، تدوین)
- شیا طوسی. (1422ق). تهذیب الحکام. بیروت: نشر دارالاحیاء و الموات عربی بیروت.
- صادقی، م. (1383) حقوق جزایی اختصاصی جرایم علیه اشخاص. تهران: نشر میزان، چاپ هفتم، جلد اول.
- طباطبایی، س. (1382) ترجمه المیزان. (13، تدوین) قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- فروخ، ع. (بدون تاریخ). پیشین.
- مکارم شیرازی و دیگران، ن. (1380) تفسیر نمونه، پیشین، جلد 6 (جلد جلد 6) تهران - ایران: دار الکتب الاسلامیه. پرتال جامع علوم انسانی
- موسوی خمینی، ر. (1376) تحریر الوسیله. قم: مرکز الایمه اطهار، چاپ دوم.